



سال چهاردهم، شماره ۴۸
زمستان ۱۳۹۳، صفحات ۴۱-۵۶

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه علمی - پژوهشی فضای جغرافیای

ابوالفضل مشکینی^۱
اکرم قاسمی^۲
مهدی حمزه‌نژاد^۳

ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد)^۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۰۵/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۰۷/۲۰

چکیده

یکی از معانی مهم و مؤثر در ارتقاء کیفیت محیط‌های انسانی، حس تعلق به مکان می‌باشد. این حس، عامل مهم در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط بوده و نهایتاً منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت خواهد گردید. این پژوهش با ۳۷۹ نفر حجم نمونه، به منظور ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهر جدید هشتگرد صورت گرفته است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است؛ داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسش‌نامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با به‌کارگیری روش‌های آماری نظیر توزیع فراوانی، آزمون ANOVA، ضریب همبستگی اسپیرمن، پیرسون و تحلیل رگرسیون، توصیف و تحلیل گردیده‌اند. نتایج آزمون نشان داد که بین چهار متغیر مدت سکونت، احساس امنیت ساکنان در محل، رضایت از دسترسی به خدمات شهری و میزان فعالیت‌های اجتماعی و جمعی با حس تعلق مکانی رابطه معناداری وجود دارد. به‌گونه‌ای که هر چه مدت سکونت، میزان خدمات شهری، امنیت محل و

E-mail: meshkini@modares.ac.ir

۱- استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس.

E-mail: a.ghasemi@modares.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس.

E-mail: hamzenejad@ust.ac.ir

۳- استادیار گروه معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.

۴- این مقاله مستخرج از بخشی از پایان‌نامه اکرم قاسمی تحت عنوان ارزیابی شهر جدید هشتگرد بر مبنای شاخصه‌های شهرسازی ایرانی اسلامی در دانشگاه تربیت مدرس تحت راهنمایی دکتر ابوالفضل مشکینی می‌باشد.

فعالیت‌های اجتماعی و جمعی ساکنان بیش‌تر گردد، حس تعلق مکانی ساکنان شهر جدید هشتگرد نیز، افزایش می‌یابد. هم‌چنین نتایج به‌دست آمده از آزمون رگرسیون، نشان داد که حدود ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تعلق مکانی ساکنان) را متغیرهای مستقل (مدت زمان سکونت، میزان خدمات شهری، میزان امنیت محل و میزان فعالیت‌های اجتماعی و جمعی) تبیین می‌کند.

کلید واژه‌ها: حس مکان، تعلق به مکان، تحلیل رگرسیون، شهر جدید، هشتگرد.

بیان مسأله

یکی از پایه‌های اصلی توجه به پایداری سکونت در شهرهای جدید این است که ساکنان این مناطق به محل زیست و فعالیت خود تعلق خاطر داشته باشند. حس تعلق مکان با مفهوم حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌ویش آگاهانه آن‌ها از محیط خود می‌باشد که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می‌دهد، به گونه‌ای که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌گردد. این حس، عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود. حس مکان و تعلق مکانی علاوه بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می‌گردد، باعث دستیابی به هویت برای افراد می‌شود (فلاح، ۱۳۸۴: ۱). در عین حال، حس تعلق مکانی مفهومی پیچیده از احساسات و دلبستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می‌آید. از نظر نوربرگ شولتز، حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده و دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است (شولتز، ۱۹۹۷: ۳۳). مکان‌دوستی نیز اصطلاحی است که جغرافی‌دانان پدیدارشناسی، معادل با حس مکان مطرح می‌کنند و آن را پیوندی پرمحبت و تأثیرگذار میان مردم و مکان‌ها و قرارگاه‌ها می‌دانند (زو، ۲۰۰۱: ۲۳۲). با نگاهی به تجربه کشورمان در زمینه شهرهای جدید، آشکار می‌شود که رویکرد غالب آن‌ها، رویکردی تک بعدی‌نگر بوده که در آن صرفاً به ساخت فضایی برای اقامت و استراحت، اشتغال و یا مکانی برای جذب سرریز جمعیت کلان‌شهرها توجه شده است. از سوی دیگر فقدان تاریخ، فرهنگ و خاطره جمعی در شهرها، و به دنبال آن در اولویت قرار دادن مسائل مالی، توجیحات اقتصادی و... باعث گردیده که مسأله هویت و در پی آن حس تعلق مکانی، در این شهرها، به مثابه مسأله‌ای فرعی تلقی گردد (امین‌زاده‌گوهرریزی و

تقی‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۱، وارثی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸). احساس تعلق مکانی، مقوله‌ای است که باید به دقت در طرح و تدوین و برنامه‌ریزی شهرهای جدید مدنظر قرار بگیرد. شهر جدید هشتگرد از جمله شهرهای جدید ایران بوده که از سرریز جمعیتی کلان‌شهرهای پیرامون (تهران - کرج) و مهاجرین سایر نقاط شهری و روستایی شکل گرفته است. این تنوع جمعیتی و فرهنگی، موجب به وجود آمدن فرهنگ خاص در بین ساکنان آن گردید که خود عاملی در جهت کاهش حس تعلق مکانی ساکنان است. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال اثبات رابطه میان چهار متغیر مدت سکونت، میزان رضایت ساکنان از دسترسی به خدمات شهری، میزان احساس امنیت در محل و میزان فعالیت‌های اجتماعی و جمعی ساکنان در شهر جدید هشتگرد با حس تعلق مکانی می‌باشد.

مواد و روش‌ها

نوع تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و روش تحقیق پیمایشی است. در جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای هم‌چون کتاب‌ها، مقاله‌ها و آمارنامه‌ها و جمع‌آوری نظرات مردم از طریق پرسشنامه استفاده شده است. پرسش‌نامه در قالب طیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، تاحدودی، مخالفم و کاملاً مخالفم)، تهیه شده است. جامعه آماری، شامل کلیه افراد بالای ۲۰ سال سن، ساکن در شهر جدید هشتگرد و حجم نمونه نیز، به میزان ۳۷۹ نفر می‌باشد؛ که با استفاده از فرمول کوکران تعیین گردید. برای تعیین اعتماد یا پایایی، با انجام پیش‌آزمون و تکمیل آن در نمونه‌ای مقدماتی به حجم ۳۵ نفر، با انجام آلفای کرونباخ به اصلاح نهایی گویه‌ها اقدام گردید. آلفای به دست آمده، ۰/۸۸۷ شده است که چون بالاتر از ۰/۷ است؛ نشان می‌دهد که همبستگی درونی گویه‌ها زیاد است. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با به‌کارگیری روش‌های آماری نظیر توزیع فراوانی، ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و تحلیل رگرسیون صورت گرفته است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

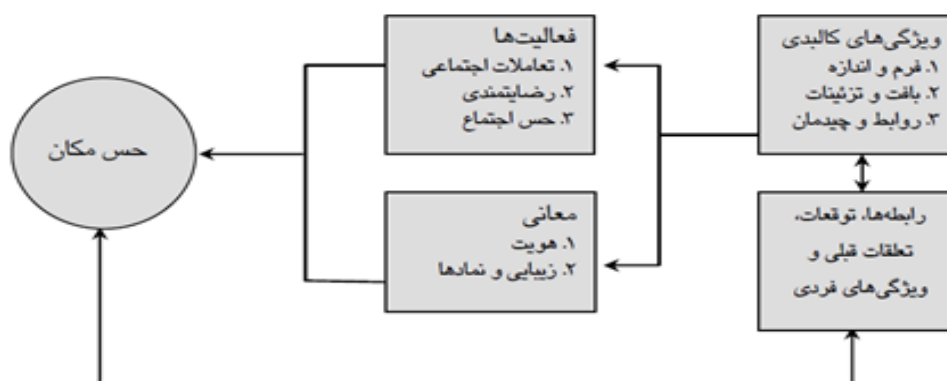
منطقه هشتگرد با جمعیتی معادل ۲۲۸۱۹ در سال ۱۳۹۰، در غرب تهران قرار گرفته است؛ و از کرج حدود ۳۰ کیلومتر به طرف غرب و ۷۵ کیلومتر با قزوین فاصله دارد. این محدوده بین طول‌های جغرافیایی ۵۰ درجه و ۲۵ دقیقه و ۵۰ درجه و ۵۵ دقیقه و عرض‌های ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه و ۳۶ درجه و ۵ دقیقه قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا از حدود ۱۵۵۰ متر (در شمال) تا حدود ۱۳۰۰ متر در جنوب (کنار اتوبان) متغیر است که بدین ترتیب شیب شمالی - جنوبی آن در حدود ۴/۵ درصد و شیب شرقی - غربی در حدود ۱ درصد می‌باشد (لطیفی، ۱۳۷۲: ۳۷۶-۳۷۵). شهر جدید هشتگرد در زمینی به مساحت ۳۰۰۰ هکتار در سال ۱۳۷۱ احداث شد که بعدها اراضی جدیدی

به آن اضافه کردند. هدف اصلی از احداث آن، جذب بخشی از سرریز جمعیتی تهران و پاسخگویی به نیاز مسکن گروه‌های کم درآمد و میان درآمد منطقه و خودبسندگی اقتصادی اعلام شده است (ابریشم‌کار، ۱۳۸۸: ۴۵).



شکل ۱: موقعیت شهر جدید هشتگرد و سکونتگاه‌های پیرامون

منبع: Google Earth



شکل ۲: حس مکان و عوامل تأثیرگذار در آن

منبع: فلاحت‌زاده، ۱۳۸۵

مبانی نظری

- حس مکان

محیط علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی و درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. این حس کلی، که پس از ادراک

و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید، حس مکان نامیده می‌شود. حس مکان عامل مهمی در هماهنگی فرد و محیط بوده و باعث بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت احساس تعلق آن‌ها با محیط و تداوم حضور در آن می‌شود (سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

مراتب حس مکان

شامای برای حس مکان سه مرحله اصلی تعلق به مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان را با هفت سطح تعیین می‌کند. این سطوح از حس مکان، کاربرد فرآیند حس مکان را نشان می‌دهند که از بی‌تفاوتی تا حس فداکاری نسبت به مکان را به ترتیب زیر شامل می‌شود (شمی، ۱۹۹۱: ۶۵):

- **بی‌تفاوتی نسبت به مکان:** در ادبیات حس مکان مورد توجه واقع نمی‌شود، ولی در سنجش حس مکان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

- **آگاهی از قرارگیری در یک مکان:** فرد می‌داند که در یک مکان متمایز زندگی می‌کند و نمادهای آن مکان را تشخیص می‌دهد، ولی هیچ احساسی که او را به مکان متصل کند وجود ندارد.

- **تعلق به مکان:** در این سطح، فرد نه تنها از نام و نمادهای مکان آگاه است، بلکه با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد، در این حالت نمادهای مکان محترم و آن چه برای مکان رخ می‌دهد، برای فرد نیز مهم است.

- **دلبستگی به مکان:** در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد، در این حالت بر منحصربه‌فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان‌ها تأکید می‌شود.

- **یکی شدن با اهداف مکان:** این سطح نشان‌دهنده در آمیختگی و پیوستگی فرد با نیازهای مکان است. در این حالت فرد اهداف مکان را تشخیص داده، با آن‌ها منطبق شده و از آن‌ها پیروی می‌کند، در فرد شور، عشق، حمایت و از خودگذشتگی نسبت به مکان وجود دارد.

- **حضور در مکان:** به نقش فعال فرد در اجتماع که علت آن تعهد به مکان است، توجه دارد.

- **فداکاری برای مکان:** بالاترین سطح حس مکان است و فرد عمیق‌ترین تعهد را نسبت به مکان دارد و فداکاری‌های زیادی در جهت گرایش‌ها، ارزش‌ها، آزادی‌ها و رفاه در موقعیت‌های مختلف از خود نشان می‌دهد. در

این سطح آمادگی برای رهایی علایق فردی و جمعی به خاطر علایق بزرگ‌تر نسبت به مکان وجود دارد. در مقابل تمامی سطوح قبل که مبنای نظری داشتند، این سطح و سطح قبلی از رفتارهای واقعی افراد برداشت می‌شود. فرد معمولاً این سطح را به طور ضمنی با سرمایه‌گذاری منابع مثل زمان، پول و غیره نشان می‌دهد (سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹).

حس تعلق^۸ از رویکرد معرفت‌شناسی

مطالعات بسیار متعددی در مورد شناخت حس تعلق و ارتباط آن با جنبه‌های مختلف انسانی توسط علوم صورت گرفته و متفکرین مختلفی در حوضه‌های گوناگون به تبیین و شناخت این حس و نقش آن در زندگی انسانی پرداخته‌اند. به طور کلی این گروه از متفکرین را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد:

- **گروه اول پدیدارشناسان:** از نگاه پدیدارشناسان جغرافیای انسانی حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عاملی تأثیرگذار میان مردم و مکان با اجزاء تشکیل‌دهنده آن است که این پیوند به صورت مثبت^۹ بوده و سبب گسترش عمق ارتباط و تعامل فرد با محیط می‌گردد و با گذر زمان، عمق و گسترش بیش‌تری می‌یابد (توان^{۱۰}، ۱۹۷۴: ۱۳۴؛ رلف^{۱۱}، ۱۹۷۶: ۵۴). از نگاه این رویکرد، تجربه، اصل‌ترین رکن ادراک مفاهیم و معنای یک مکان است و لذا معنا در یک مکان، ارتباط مستقیم با نحوه ادراک انسانی و مقولات مربوط به آن دارد. تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد که هر چه مدت ارتباط افراد با یک مکان بیش‌تر می‌شود، به همان نسبت شناخت و ادراک انسان‌ها از آن مکان افزایش یافته و امکان ایجاد معنای تعلق در محیط نیز افزایش می‌یابد (هیدالگو و برنارد^{۱۲}، ۲۰۰۱: ۲۷۴؛ بونایتو و همکاران^{۱۳}، ۱۹۹۹: ۳۳۴).

- **گروه دوم روانشناسان محیطی:** حس تعلق در روانشناسی محیطی از موضوعات جالب و مورد توجه بوده است. مرور ادبیات موضوع بیانگر گستردگی واژه‌ها و رویکردهای مختلف تبیینی این احساس و معنای خاص محیطی است که علاوه بر آن که دامنه وسیع اطلاعاتی را نشان می‌دهد، نوعی سردرگمی واژه‌ها و پیچیدگی ذهنی به همراه دارد که بسیاری از محققین به آن اشاره نموده‌اند (هیدالگو و برنارد، ۲۰۰۱: ۲۷۵)؛ واژه‌های متعددی نظیر دلبستگی به مکان، وابستگی به مکان^{۱۴}، اولویت‌دهی به مکان^{۱۵}، هویت مکان^{۱۶} و غیره از جمله این واژه‌ها می‌باشد. به طور کلی می‌توان انواع نگرش‌های معنایی ارتباط انسان و مکان در روانشناسی محیطی را در رویکرد زیر تقسیم نمود:

8- Place Attachment

9- positive

10-Yi-Fu Tuan

11- Edward Relph

12- Carmona Hidalgo & Hernandez, Bernard

13- Bonaiuto M, Aiello, A, Perugini, M, Bonnes., M., Ercolani, A.

14- Place Dependency

- **رویکرد شناختی:** این رویکرد بر نقش شناخت انسان از محیط به عنوان ضرورت ایجاد معنای حس تعلق تأکید می‌کند. بر این اساس محیط‌های با آگاهی و شناخت بیشتر برای افراد دارای بار معنایی بیش‌تری نسبت به محیط‌های مشابه با ادراک و شناخت فردی کم‌تر می‌باشند.

- **رویکرد اجتماعی:** از نگاه این رویکرد، حس تعلق به محیط برآیند عواملی از تعاملات اجتماعی می‌باشد که در محیط صورت می‌پذیرد. بر اساس این رویکرد محیط حاوی اطلاعات و نشانه‌های مشترک اجتماعی است که انسان‌ها با درک و رمزگشایی آن‌ها با محیط خود به تعامل می‌رسند.

- **رویکرد احساسی:** این رویکرد به بعد عاطفی و احساسی ارتباط انسان و مکان اشاره دارد و تعامل در این درجه را ناشی از نوعی ارتباط عمیق بین انسان و مکان اعلام و شکل‌گیری معنا در این رویکرد را در ارتباط با عواطف انسانی می‌داند. بسیاری از نظریه‌های طراحی محیطی به حس تعلق در این رویکرد، نام حس مکان را نهاده و اشاره به انعکاسی از ترکیب ادراک، شناخت و احساسات انسانی نسبت به محیط را دارند (فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۱-۳۰).

- رویکرد هستی‌شناسی به حس تعلق

در بررسی ابعاد و ماهیت حس تعلق از رویکرد هستی‌شناسی، توجه به نیازهای انسانی ضروری می‌باشد. امروزه مدل‌های مختلفی از نیازهای انسانی در قلمرو علوم مرتبط با معماری ارائه شده است. از میان این مدل‌ها، مدل هرم نیازهای انسانی ارائه‌شده از سوی مازلو^{۱۷}، توسط تعدادی از طراحان محیطی در توسعه مبانی نظری طراحی مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است (مطلبی، ۱۳۸۵). مازلو ضمن تأکید بر انگیزه‌ها و نیازهای انسانی، آن‌را از بدو تولد همراه انسان دانسته و اعتقاد دارد انسان در تعامل با محیط و با تغییر در قابلیت‌های آن به دنبال ارضاء این نیازها در سطوح مختلف می‌باشد. او نیازهای انسانی را در دو گروه نیازهای اساسی یا اولیه و نیازهای برتر یا عالی‌دسته‌بندی می‌نماید. بر اساس دسته‌بندی مازلو، نیازهای اساسی و اولیه انسان به ترتیب شامل: نیازهای جسمانی، نیازهای ایمنی و امنیت، نیاز به تعلق، نیاز به احترام و نیازهای برتر شامل: نیاز خود شکوفایی، نیاز به شناخت و زیبایی می‌باشد. حس تعلق از نظر وی جزو نیازهای اساسی بوده و از سوی بسیاری از طراحان مورد توجه قرار گرفته است و در محیط‌های کالبدی در تمامی طول دوران زندگی انسان به انحاء مختلف قابل مشاهده است. از انسانی که در دوران کودکی نسبت به اتاق، وسایل بازی و سایر عناصر کالبدی خود مالکیت و نوعی تعلق را دار می‌باشد تا سنین بالاتر و دوران مختلف زندگی، نظیر شناسایی محدوده و قلمرو زندگی، شناخت حریم و عناصر کالبدی خود را نشان

15- Place Preferences

16- Place Attachment

17- Maslow

می‌دهد. از نظر نیازهای انسانی ارائه شده، حس تعلق برگرفته از نوعی نیاز اجتماعی بودن انسان می‌باشد که به دنبال یافتن جای پاهای محکم در جهت ارتباط با محیط و پیوند صمیمانه با آن می‌باشد (فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۲-۳۱).

- نیاز تعلق به مکان

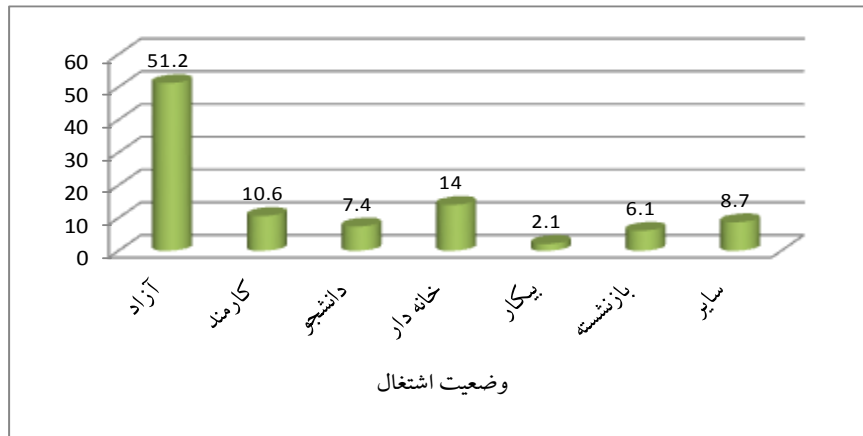
آدمی به عنوان یک موجود با ابعاد فردی و اجتماعی و همچنین مادی، روحی و روانی، دارای نیازهای مختلفی می‌باشد که همواره به دنبال تأمین آن‌ها در طول حیات خود می‌باشد. در این بین، تأمین این نیازها دارای اولویت و سلسله‌مراتب خاصی می‌باشد. مازلو ضمن برشمردن انواع نیازهای آدمی، آن‌ها را بر اساس اولویت برآورد آن‌ها دسته‌بندی نموده است (نمودار شماره‌ی ۲). همان‌طور که می‌بینیم، تأمین این نیازها به صورت اولویت‌بندی خاصی دیده شده است. از مهم‌ترین این نیازها که در صدر هرم اولویت‌بندی نیازها قرار دارد، نیاز به خودشکوفایی می‌باشد که لازمه آن تأمین نیازهای ماقبل خود است. انسان چه به صورت خودآگاه و چه به صورت ناخودآگاه میل به بروز و ظهور استعدادهای فطری (خودشکوفایی) دارد (لنگ، ۱۳۸۳: ۹۶). این امر، زمانی تحقق می‌یابد که سلسله‌مراتبی از نیازهای انسان از جمله نیازهای تعلق و دوست‌داشتن برطرف گردد. تحقق این سلسله‌مراتب نیازها بدون شناخت جایگاه آدمی در هستی امکان‌پذیر نمی‌باشد، یعنی انسان با شناخت خود و نیازهای خود و ایجاد مکان و محملی مناسب جهت اقماع این نیازها به خودشکوفایی می‌رسد. وقوف و آگاهی کامل به انواع نیازها و تأمین سلسله‌مراتب نیازها، هر کدام مستلزم بستر و مکان خاص خود می‌باشد، از طرفی کمبود شایستگی‌های محیط منجر به فقدان مشارکت، شخصیت‌زدایی، از دست‌دادن شایستگی‌های فردی و در نهایت عدم خودشکوفایی می‌گردد (گافمن^{۱۸}، ۱۹۶۳: ۶۵).



شکل ۳: اولویت‌بندی نیازهای انسانی (منبع: پیربابایی و سجادزاده، ۱۳۹۰)

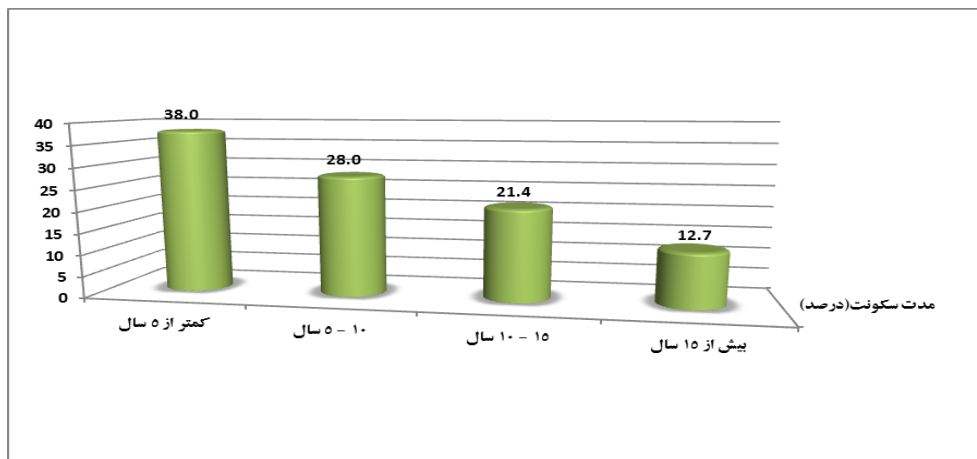
یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات

در پژوهش حاضر، حجم نمونه ۳۷۹ نفر است که از میزان پرسش‌شوندگان ۳۱/۷ درصد زن و ۶۸/۳ درصد مرد، ۳۵/۱ درصد مجرد و ۶۴/۹ درصد متأهل بوده‌اند؛ توزیع سنی پرسش‌شوندگان در گروه‌های سنی ۱۰ ساله تقسیم‌بندی شده است که گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ ساله، با ۴۲ درصد بیش‌ترین گروه را تشکیل می‌دهد؛ ضمن آنکه حداقل سن در میان پاسخگویان ۲۰ سال و حداکثر ۶۵ سال بوده است. ۴۸/۳ درصد از ساکنان، محل تولدشان شهرهای دیگر کشور بوده است. از نظر میزان تحصیلات، بیش‌تر پاسخ‌گویان با ۴۷/۸ درصد، دارای تحصیلات متوسطه بوده‌اند. در زمینه وضعیت شغلی پرسش‌شوندگان نیز اطلاعاتی جمع‌آوری گردید که این داده‌ها به صورت نمودار ۳ ارایه می‌گردد. در این باره بیش‌ترین با ۵۱/۲ درصد مربوط به مشاغل آزاد بوده است.



شکل ۴: توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت شغلی به درصد

در زمینه مدت زمان سکونت پاسخ‌دهندگان در شهر جدید هشتگرد، بیش‌تر افراد با ۳۸ درصد، کم‌تر از ۵ سال است که در شهر زندگی می‌کنند (شکل شماره ۵).



شکل ۵: مدت زمان سکونت ساکنان شهر جدید هشتگرد

شاخص تعلق مکانی نسبت به شهر جدید هشتگرد برای پاسخ‌دهندگان در ۶ گویه مطرح گردید. همچنین متغیرهای میزان دسترسی ساکنان به خدمات شهری، احساس امنیت و فعالیت‌های اجتماعی و جمعی به ترتیب در ۱۱، ۵ و ۴ گویه تعریف گردید. بر اساس نوع متغیرهای مشخص‌شده و حجم نمونه‌های مورد مطالعه در سطح شهر، برای بررسی تفاوت میانگین بین متغیرها و تعلق مکانی از آزمون مقایسه میانگین چند جامعه ANOVA استفاده شده است (جدول شماره ۱). در مجموع شهر نیز، با توجه به متغیرهای مشخص به محاسبه همبستگی پیرسون و اسپیرمن، به آزمون سؤالات پرداخته‌ایم.

جدول ۱- آزمون تفاوت بین گروهی برحسب مدت سکونت با تعلق مکانی ساکنان شهر جدید هشتگرد

Sig. (سطح معناداری)	F (کمیت)	Mean square (میانگین مربعات)	df (درجه آزادی)	Sum of squares (مجموع مربعات)	
۰/۰۰۰	۷/۸۴	۱۲۰/۷	۳	۳۶۲/۱۲	رابطه بین مدت زندگی و تعلق مکانی

جدول مربوطه به خوبی نشان می‌دهد که بین تعلق مکانی با مدت سکونت ساکنان شهر جدید هشتگرد اختلاف معناداری در سطح یک درصد وجود دارد. به عبارتی دیگر مدت سکونت بر روی تعلق مکانی ساکنان شهر جدید هشتگرد مؤثر است. از طرف دیگر، جهت بررسی رابطه بین مدت زندگی و حس تعلق مکانی، از آزمون اسپیرمن و به منظور بررسی رابطه بین رضایت از دسترسی به خدمات شهری، میزان فعالیت‌های اجتماعی و جمعی و احساس امنیت در محل با میزان حس تعلق مکانی، از آزمون پیرسون استفاده شد. به این منظور هر کدام از گویه‌ها با استفاده از دستور compute در نرم افزار SPSS با یکدیگر تلفیق شده و سپس میان آن‌ها همبستگی برقرار گردید.

جدول ۲- آزمون همبستگی بین مدت زندگی در شهر جدید هشتگرد و تعلق مکانی

Sig	مدت سکونت	ضریب همبستگی اسپیرمن	
۰/۰۲۵	۰/۱۱۵**	این شهر همان جایی است که من می‌خواهم.	حس تعلق
		از روی میل و علاقه‌ام می‌خواهم در این محل زندگی کنم.	
		حس خاصی نسبت به این مکان ندارم.	
		به طور عاطفی وابسته به این مکان هستم.	
		این شهر و محل سکونت بخشی از هویت من است.	
		خیلی برایم سخت است که این مکان را ترک کنم.	

$p > ۰/۰۵^{**}$

جدول همبستگی در فوق نشان‌دهنده رابطه بین مدت زندگی در شهر جدید هشتگرد و تعلق مکانی است. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی ۰/۱۱۵ در سطح آلفای ۰/۰۵، با ۹۵ درصد اطمینان معنادار است و جهت رابطه

به صورت مثبت و مستقیم است، یعنی هر چه طول مدت زندگی در شهر بیشتر باشد تعلق مکانی ساکنان به شهر نیز افزایش می‌یابد؛ بنابراین می‌توان گفت بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳- آزمون همبستگی بین رضایت از دسترسی به خدمات شهری و حس تعلق مکانی ساکنان شهر جدید هشتگرد

sig	حس تعلق	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	۰/۳۱۸**	دسترسی به مرکز تجاری شهری به راحتی امکان‌پذیر است.	رضایت از دسترسی به خدمات شهری
		دسترسی به کتابخانه و سالن‌های مطالعه به راحتی امکان‌پذیر است.	
		فضاهای سبز در محله به خوبی تجهیز شده‌اند.	
		کودکان و نوجوانان مجبورند برای دسترسی به مدرسه، مسافت زیادی را طی کنند.	
		دسترسی به خدمات شهری و درمانی در محله، به راحتی امکان‌پذیر است.	
		فضاهای ورزشی کافی و مناسبی در محله وجود دارد.	
		فعالیت‌های سرگرمی و خدماتی به آسانی در دسترس است.	
		تهیه و تدارک نیازهای اساسی و روزمره در محله به راحتی امکان‌پذیر است.	
		وجود دامنه وسیعی از کالاها در مغازه‌های محل، ما را از عبور و مرور به سایر محلات معاف می‌کند.	
		فقدان فضاهای عمومی اجازه گذران اوقات فراغت را نمی‌دهد.	

p > ۰/۰۱**

ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر دسترسی به خدمات شهری محل سکونت و حس تعلق مکانی ساکنان در جدول فوق، نشان‌دهنده رابطه معنادار بین آنهاست. همان‌طور که در جدول فوق، مشاهده می‌شود ضریب همبستگی با مقدار ۰/۳۱۸ در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است و جهت رابطه به صورت مستقیم و مثبت می‌باشد؛ بدین معنی که هر چه میزان رضایت ساکنان از دسترسی به خدمات شهری بیشتر شود، میزان حس تعلق مکانی ساکنان نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۴- آزمون همبستگی بین احساس امنیت ساکنان در فضاهای عمومی محل و حس تعلق مکانی در شهر جدید هشتگرد

sig	حس تعلق	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	۰/۱۷۸**	در هنگام شب خطرات زیادی برای رفت و آمد اهالی محل وجود دارد.	احساس امنیت
		به راحتی می‌توان افراد شرور و خرابکار را در محله دید.	
		در محله خود احساس امنیت و آرامش می‌نمایم.	
		زندگی در محله شما بدون استرس است.	
		به اهالی محله خود اعتماد زیادی دارم.	

p > ۰/۰۱**

جدول همبستگی فوق، نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی بین احساس امنیت ساکنان در فضاهای عمومی شهر جدید هشتگرد و تعلق مکانی است. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی ۰/۱۷۸ در سطح آلفای ۰/۰۱، یعنی با ۹۹ درصد اطمینان، معنادار است که این نشان‌دهنده‌ی این است که هر چه طول احساس امنیت ساکنان در شهر بیش‌تر باشد تعلق مکانی ساکنان به شهر نیز افزایش می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت بین این دو متغیر نیز رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

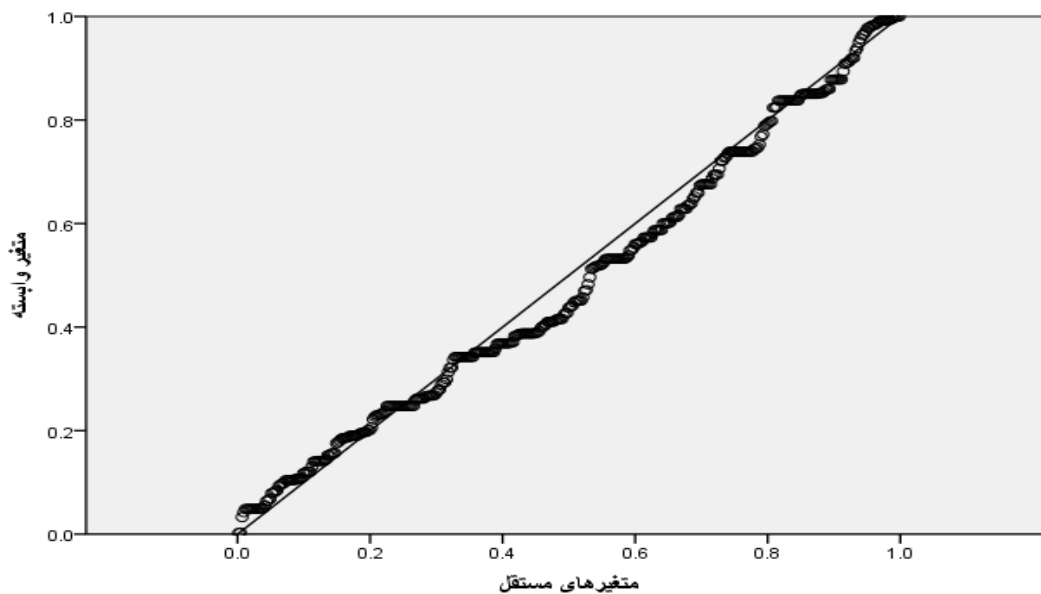
جدول ۵- آزمون همبستگی بین میزان فعالیت‌های جمعی و اجتماعی ساکنان محل و حس تعلق مکانی در شهر جدید هشتگرد

Sig	حس تعلق	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	۰/۴۳۶**	صمیمیت خاصی بین ساکنان محل وجود دارد.	فعالیت‌های جمعی و اجتماعی
		در امور مختلف محله خود شرکت می‌نمایم.	
		همسایگان خود را می‌شناسم و با آنان تعامل دارم.	
		زمان زیادی را در فضاهای عمومی محله سپری می‌کنم.	

$p > ۰/۰۱^{**}$

ضریب همبستگی پیرسون، بین دو متغیر میزان فعالیت‌های جمعی و اجتماعی ساکنان و حس تعلق مکانی ساکنان در جدول فوق نیز، نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معنادار بین آن‌هاست. ضریب همبستگی با مقدار ۰/۴۳۶ در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است و جهت رابطه نیز مثبت می‌باشد؛ بدین معنی که هر چه میزان فعالیت‌های اجتماعی و جمعی ساکنان شهر افزایش یابد، میزان حس تعلق به مکان نیز افزایش می‌یابد.

در بخش پایانی، به منظور پیش‌بینی تأثیر متغیرهای مستقلی که با متغیر وابسته رابطه داشتند، از رگرسیون چندگانه توأم (Enter)، استفاده شد. نتایج نشان داد که در حدود ۲۹ درصد ($R^2=0.291$) از تغییرات متغیر وابسته (تعلق مکانی ساکنان) را متغیرهای مستقل (مدت زمان سکونت، میزان رضایت ساکنان از خدمات شهری، میزان احساس امنیت در محل و میزان فعالیت‌های اجتماعی و جمعی) تبیین می‌کند. همان‌طور که در نمودار پراکنش همبستگی نیز مشاهده می‌شود (نمودار شماره ۵)، بیش‌تر داده‌ها حول خط رگرسیون می‌باشند که نشان‌دهنده‌ی همبستگی زیاد دو متغیر مستقل و وابسته است.



شکل ۶: نمودار پراکنش همبستگی دو متغیر مستقل (مدت زمان سکونت، میزان رضایت ساکنان از خدمات شهری، میزان احساس امنیت در محل و میزان فعالیت‌های اجتماعی و جمعی) و وابسته (تعلق مکانی)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی گردید بر روی یکی از مسائل حال حاضر شهرهای جدید یعنی بحث تعلق مکانی ساکنان پرداخته شود. از این رو مؤلفه‌های مؤثر در تعلق مکانی به شهر، از دیدگاه‌ها و نظریات استخراج و در شهر مورد مطالعه بررسی گردید؛ و سپس به آزمون رابطه بین مدت سکونت و تعلق مکانی با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن و رابطه بین احساس امنیت ساکنان در محل، رضایت از دسترسی به خدمات شهری و میزان فعالیت‌های اجتماعی و جمعی با تعلق مکانی از طریق ضریب همبستگی پیرسون پرداخته شد. نتایج آزمون نشان داد که بین چهار متغیر فوق با حس تعلق مکانی، رابطه معناداری وجود دارد؛ جهت رابطه نیز به صورت مستقیم و مثبت می‌باشد. به گونه‌ای که هر چه مدت سکونت ساکنان، میزان خدمات، امنیت محل و فعالیت‌های اجتماعی و جمعی ساکنان بیشتر گردد، حس تعلق مکانی ساکنان شهر جدید هشتگرد نیز، افزایش می‌یابد. هم‌چنین نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون نشان داد که حدود ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تعلق مکانی ساکنان) را متغیرهای مستقل (مدت زمان سکونت، میزان خدمات، میزان امنیت محل و میزان فعالیت‌های اجتماعی و جمعی) تبیین می‌کند. از بررسی نتایج این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت، میزان حس تعلق به یک مکان به عواملی چون میزان سکونت فرد در یک مکان، میزان فعالیت‌های جمعی و اجتماعی، میزان احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر و میزان خدمات شهری محل، بسیار ارتباط دارد. مؤلفه‌ی اول (مدت سکونت) به ماهیت شهر جدید بر می‌گردد؛ و در صورت بهتر

شدن وضعیت سه مؤلفه‌ی دیگر (میزان فعالیت‌های جمعی و اجتماعی، میزان احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر و میزان خدمات شهری محل)، مدت سکونت ساکنان شهر جدید هشتگرد نیز به تدریج افزایش می‌یابد. از این رو، در راستای ارتقاء حس تعلق مکانی ساکنان شهرهای جدید، طراحان و مجریان، می‌توانند با روی آوردن به طرح‌های گام به گام، مشارکتی و با بومی‌سازی آن طرح‌ها و برنامه‌ها گامی مثبت بردارند؛ تا فضاهای پرنشاط و پویا، دارای امنیت و آرامش، دسترسی آسان به خدمات شهری ایجاد نمایند و شهروندان در آن به تعامل و گفتگو و مراوده پرداخته و به این شکل گامی برای ایجاد حس تعلق به مکان در این شهرها برداشته شود.

منابع

- امین‌زاده گوهرریزی، ب؛ تقی‌زاده، م (۱۳۷۶)، «شهرهای جدید: بستر مناسب تجلی ارزش‌های مهجور»، مجموعه مقالات شهرهای جدید، گردآورنده: زهرا تمجیدی، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، صص ۵۶-۶۵.
- ابریشم‌کار، پ (۱۳۸۸)، «ارزیابی عملکرد شهر جدید هشتگرد با تأکید بر اهداف اقتصادی و اجتماعی»، *فصلنامه مهندس مشاور*، شماره ۴۴، صص ۵۱-۴۳.
- بهزادفر، م؛ برین، ع (۱۳۸۷)، «ساماندهی هویتی شهر جدید هشتگرد»، *فصلنامه ساخت شهر*، سال پنجم، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۲۴-۱۱.
- پیربابایی، م؛ سجادزاده، ح (۱۳۹۰)، «تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی»، *باغ نظر*، شماره شانزدهم، سال هشتم، صص ۲۸-۱۷.
- توکلی، م؛ موسوی، م (۱۳۸۸)، «تحلیل تأثیر حس تعلق مکانی زنان روستایی شیعه مرزنشین بر مهاجرت در منطقه سیستان»، *فصلنامه بانوان شیعه*، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۸۴-۱۶۱.
- جوان فروزنده، ع؛ مطلبی، ق (۱۳۸۸)، «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن»، *هویت شهر*، شماره ۸، سال پنجم، صص ۳۷-۲۷.
- سرمست، ب؛ متوسلی، م (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران)»، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۲۶، صص ۱۴۶-۱۳۳.
- فلاحت، م (۱۳۸۵)، «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲۶، صص ۶۶-۵۷.
- لنگ، ج (۱۳۸۳)، «آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)»، (ترجمه علیرضا عینی‌فر)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مطلبی، ق (۱۳۸۵)، «بازشناسی نسبت فرم و عملکرد در معماری»، *مجله هنرهای زیبا*، شماره ۲۵، صص ۶۴-۵۵.
- وارثی، ح؛ علی‌زاده، ع؛ صالحی، م (۱۳۹۰)، «تحلیل و ارزیابی احساس هویت ساکنان در شهرهای جدید (نمونه موردی: شهر جدید فولادشهر)»، *مجله برنامه فضایی*، شماره سوم، صص ۶۲-۳۷.
- وارثی، ح؛ عامل‌بافنده، م؛ محمدزاده، م (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل مولفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گل‌بهار)»، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، شماره دوم، صص ۳۶-۱۷.

- Bonaiuto, M., Aiello, A., Perugini, M., Bonnes, M., Ercolani, A. P., (1999), "Multidimensional Perception of Residential Environment Quality and Neighbourhood Attachment in The Urban Environment ", *Journal of Environmental Psychology*, 19: 331-352.
- Goffman, E., (1963), "*Behavior in Public Space* ", New York: Free Press.
- Hidalgo, C., Hernandez, B., (2001), "Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions", *Journal of Environmental Psychology*, 21: 273-281.
- Norberg, S., (1997), "*Christan the phenomenon of place Princeton Architectural Press*", New York.
- Relph, Edward, (1976), "*Place and Placelessness* ". London: Pion.
- Shamai, shmuel., (1991), "*sence of Place: An Empirical measurement* ", *Geforum Volume*, 22: 347-358.
- Tuan, Yi-Fu., (1974), *Topophilia*, Englewood Cliffs: Prentiss-Hall. 36.
- Tuan, Yi-Fu, (2001), *Space and place the perspective of Experience*, Minnesota: University of Minnesota press.
- Wicker, A., (1979), *An Introduction to Ecological Psychology*, Monterey, Ca:Brooks/Code.